در ایام هفته بقدر امکان طبع و نشر میگردد
تک نمره هفت شاهی

مدیر غلامحسین کسمائی
محل اداره کسماء

عنوان تلگراف و تلفون : [illegible]
عنوان مراسلات پستی : فومن. کسماء. مدیر
وجه اشتراک بعد از سه نمره دریافت میشود

قیمت اشتراک
یکساله ۵۰ قران
ششماهه ۳۰ قران

جنگل
۱۳۳۵

این روزنامه حافظ نگاهبان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان است

افادهٔ مرام

کارکنان این روزنامه برای آگاهی هموطنان بنام آزادی طلبی نکات در صدد تأسیس این جریده در این ناحیه برآمدند سبب تأسیس این اوراق از لزوم گذشته بلکه واجب بودن فوت وقت غفلت را که در گذشته باعث این زحمت را فراهم نمودن لوازمات مجالس موفق گشته توفیق این خدمت و بپایان رسانیدن این مقصود را از حضرت احدیت خواستاریم

مقصود ما عبارت پردازی و اطلاعات خارجه نیست شیوهٔ ما شکسته و افکاری خسته با زبانی الکن میخواهیم اظهارات خود را از نظر ملت بگذرانیم

شاید بدین وسیله افکار عمومی را متوجه ساخته با جماله شوند از صاحبان افکار عالیه و ارباب قلم استمداد میطلبیم

اعتذار

اولاً باید دانست که هیئت موسسه این نامه ملی ایرانی و مشرقی نژاد و طرفدار حقوق و مطیع قانون میباشند جهت طبع و نشر بدون امتیاز از وزارت جلیله معارف [illegible] رفتن بوده است [illegible] انتشار جوان کابینه لذا بموجب این در اولین شماره از آن مقام منیع امتیاز این جریده را خواهیم

اولین قدم برای حسن جریان انتخابات

انتخابات چهارمین دورهٔ تقنینیه اذهان عموم را متوجه و جلب و متوجه ساخته است و عنقریب نمایندگانی که مسئول حیات و ممات قطعی [illegible] کرسیهای پارلمنت را اشغال خواهند نمود یعنی در این دورهٔ تقنینیه یا کلی غرق مرگ و مشاقی این [illegible] و خاک خواهد نشست و یا نسیم حیات بمشام وطن رسیده و جنبش [illegible] اعضای [illegible] خواهد شد پس ملت ایران در این دوره بحرانی [illegible] که اصل سیاست این انتخابات نظر از اکثریت [illegible] قیم کرده است در اینجا اگر ما این هیئت [illegible] کار [illegible] و از گوشه و کنار مشهود میگردد ما را باز یک [illegible] امر [illegible] خیال [illegible] از [illegible] بدین معنی که فقط امید داری که از [illegible]

داشته‌ایم حسن جریان انتخابات است که به تماشاگه آنهم ! یک دسیسه‌کاری فوق‌العاده بر است از ادوار سابقه بدتر و قباحت آورتر است در حال جریان میباشد

واضح است که این قسم جریان انتخاب تا چه درجه عاقبت وخیم خواهد داشت و بچه اندازه آتیه این آب و خاک را تهدید مینماید

آری اولین قدمی که برای حسن جریان انتخابات لازم بوده و میباشد و چندان وقت هم فوت نگردیده مانا تغییر حکام و رؤسای سابقه و سلب اقتدارات غیر مشروعهٔ ایشان میباشد از قبیل ظل السلطان‌ها و فرمان فرماها و کامران میرزاها و معتمدالدوله‌ها و غیره

چه همین حکام و رؤسا امروزه که مصادر امور ایالات و ولایات‌اند از همان زمرهٔ اشخاصند که تا دیروز با یک وقاحتی غیر قابل تقریر دست بدست ستمکاران ستم‌پیشه استبداد منش خود و هواخواهان جدی سلطنت مستبده منفورهٔ کهنه روسی داده . . مار از روزگار نوع خود برآورده‌اند و هیچگونه لطمه بناموس وطن و هم‌وطنان خود مضایقه نکرده‌اند

انصاف باید داد که با زمام داری این گونه اشخاص با اقتدارات و اختیاراتیکه مواد (۱۰) و (۱۱) قانون انتخابات نمایندگان مجلس ملی بدیشان میدهد

آیا ثمره و نتیجه بجز سوق دادن ملت بوادی عدم و تهدید باضمحلال چیز دیگری را در بر خواهد داشت و آیا جریان این انتخاب اطمینان بخش خواهد بود

و وکلائیکه بدسیسه اینان و پارتی بازی فرق مخصوص (که دارای فراکسیون پارلمانی هستند) برگزیده شوند قابل قانون گذاری و زمامداری مملکتی بوده و شایسته سپردن ناموس ملی بجای اندیشان خواهد بود ؟؟

که امروزه همان گرگان آدم خوار خود را بلباس میش در

[illegible]

در داستان وطن معرفی مینماید

. . . چه ساده لوحی و چه سهل انگاری ما نیز با پشتیبانی افکار عموم اسلامیان ایران آنان را مخاطب ساخته میگوییم که ایرانیان امروزی بدین اعمالات و عوض کردن لباس و تجدید پرده‌ها فریب نخورده و هیچوقت خود را آلت دست شما قرار نخواهند داد و میگوییم .

ای بیخبران خائن بیچاره بدانید که ملت ایران لذت انتقام را چشیده و از این طعمهٔ لذیذ دست بردار نخواهند بود : و روش متخذهٔ جدیدهٔ خود را که **مجازات فوری خائنان است** کناره نخواهند گرفت

اگر چنانچه بزرگترین حس و مایل نیز تمسک شده و تصمیم هیئت معظم دولت متبوع ما را که شروع باصلاحات و تسریع عناصر فاسده و دفع مواد موذیه و خلع حکام جابره و انتخاب اشخاص مدبر کار را از جهت سرپرستی ملت است محترم نشمرده و در صدد اخلال برآیند

بدون فوت وقت سزایشان را در کنار [illegible] خواهند هشت :

ما نیز این اقدام بموقع هیئت معظم دولتی را که باصلاحات شروع کرده با قلبی مملو از دولت خواهی و فداکاری و دلسوزی تقدیس کرده : و موفقیتش را در این فداکاری عظیم که اولین قدم برای حسن جریان انتخابات است درخواست مینمائیم

ج

آقای مدیر محترم روزنامه جنگل سواد تلگراف ذیل را که بطهران مخابره شده برای اطلاع قارئین کرام در اولین شمارهٔ جریدهٔ خود درج فرمائید

سواد تلگراف

توسط حضرت اشرف آقای مستوفی الممالک خاکپای اعلیحضرت شاهنشاهی خلدالله ملکه :

افتتاح دارالشوری تاکنون برای برخی مجدداً

متعسر بود اکنون با اقبال بیزوال شاهنشاهی موانع مفقود و شرایط موجود و فرمان جهان مطاع که حاکی از حسن نیات مقدسه و مرام ملوکانه بود صادر

مضرات تأخیر این امر در پیشگاه همایونی مشهود خائنین بدسایس مشغول استدعا داریم امر اقدس اعلی بسرعت انتخاب و تشکیل دارالشوری که یکی از مقاصد فدائیان است مقرر تا پس از افتتاح مجلس سایر مقاصد و مرام فدائیان که فقط متضمن حفاظت وطن و ملت و صیانت تاج و تخت اعلیحضرت شاهنشاهی بوده و هست بپایه سریر مقدس معروض گردد

محل هیئت اتحاد اسلام گیلان

مکتوب محلی

تقدیم تشکر: درخواست فعلیت
قول را فعل لازم است

روزنامه مساوات در شماره ۴ تحت عنوان مکتوب سرباز مقاله مندرج بود بی اختیار محکوم گردید که نیات صادقانه خود و هم قطارانم را توسط این جریده در ضمن ادای تشکر و عرض جواب مشهود دارم

بدیهی است که هیچ قومی در عالم مانند ملت ستمکش ایران بآزادی ملت روسیه که در زیر زنجیر اسارت حکومت مستبده بیدترین روزگاری دچار بودند علاقه‌مند نبوده و نیست

توضیح واضح میدانیم که بگوئیم حقیقت دموکراسی تمام اقوام عالم را متحد و وحدت کلیات هر ملتی را بدون ملاحظه اختلاف نژاد و مذهب متضمن جلاء و این

نظریه که آزادی هر ملتی بدواً سبب مسرت ملل دیگری که طریق آزادی را طی مینمایند خواهد شد مملکت و ملتی است که برای تعلقات اقتصادی و همجواری و غیره علاقه حیاتی با ممالک دیگر داشته ناگزیرند که رشته مودت خود را محکم و از معاونت یکدیگر بهره‌مند گردند

ملت ایران آن ملتی است که بیش از اقوام سایره با ملت روسیه مرتبط و منتظر حسن روابط همجواری است

ایران محنت دیده یازده سال است که بقربانی هزارها فرزند رشید خود حریت را تحصیل و در این مدت برای مظالم وحشت خیز حکومت تساری دوره موفق باصلاحات نگردیده کلمه آزادی از دایره لفظ خارج نشده بلکه سخت‌تر از استبداد سابقه دچار لطمات طاقت فرسا گردیده اطفال بی‌سرگشته پدران و مادران پژمرده مردان هستی بباد داده که بامید استشمام رائحه عدالت تحمل این همه خسارت نموده با دیده حسرت نگران و منتظر که روح مساوات روزی آغاز آرزوهای دیرینه ایشان را صدق دهد

لطایف غیبیه نگذاشت که فراموش کننده عدالت شیرا سحر کند امیدواریها کامل و دست طبیعت برای انتقام از آستین مردانه جوانمردان روسیه بیرون با یک انقلاب پر از شرف تساری را از تخت سرنگون تختش واژگون ستمدیدگان روسیه استنشاق هوای فرح بخش حریت کردند

موفقیات ملت روس بقدری بامید ایرانیان افزود که هیچیک از عناصر ایرانی (سوای یک جمع رذل منحرف) نتوانستند از اظهار شعف خودداری کنند منتظر بودند که سریعاً از طرف حکومت دموکراسی

روس جبران مافات شده بلکه‌های مادی و معنوی تخلیهٔ
ایران و الغاء امتیازات مشئومه مرهمی بجراحات قلوب
ما بگذارند

مع التاسف تا امروز از اظهارات مساعدت آمیز دولت
و ملت روسیه مثل مشروطیت یازده سالهٔ ما پا از
دایره لفظ بیرون ننهاده در حالتیکه

قول را فعل لازم است

این نکته مسلم است که ملت روسیه طبعاً نجیب و ملایم
دارای محبت ذاتی و شرف آدمیت هیچگاه از ابراز
حسیات دوستانه درباره همسایگان خود خاصه ایران
خودداری نداشته اکنون نیز ایرانیان همه اظهارات
برادرانه آنانرا بحسن قبول تلقی میکنند ولی قشون
و ملت را جز اطاعت دسیپلین حکومت مشروطه
خود چه تکلیفی است

حوادث اخیر پطروگراد گرگواه صادق ما نیست ؟
اظهار تألمات و تأسفات بر شهدای ما البته شایان
تقدیر است ولی امروز نه بیهوده جنبنده ایدگلت
بچشم بزندگانی ایرانی حق حیات استقلالی داده میشود ؟
حکومت دموکراسی روس با صمیمیت ملت خود
نسبت بما همراه است ؟
در اینجا جواب منفی است ! چرا ؟
تا امروز عملیتی ندیدیم در حالتیکه

قول را فعل لازم است

از آغاز جنگ بین المللی ایران بیطرفی خود را اعلام
و مطمئن بود که دول همسایه نقض بیطرفی او را نخواهند نمود
همسایگان جنوب و شمال باسم جلوگیری از
پیدا یا کاملاً آلمان بنای مداخلهٔ علنی و حبس قنسولات
خودشان مامور داخلی ما مداخله کرده بیش از سایر دول
موجب اختلال مملکت بودند بجای آنکه در هیچ
موقعی دست از تجاوز کشیده سفرا و قنسولات
خود را که هر یک در حوزهٔ مأموریت خود سلطانی
مستقل و مقید بهیچ قیدی نبودند امر بمسالمت نموده
و دولت ایرانرا بمساعدت خود بگذارند بیطرفی
خود را محفوظ و فواید بیطرفی آنرا خود جلب کنند
بهیچیک از اینها عطف نظری نکرده سهل است
از نهی تغلظت و تعدی مامورین ایشان افزوده
و از طرفی بنای سوق قشون گذاشته سبب شدند
که مدعیان آنان بعنوان معارضه مثل قشون وارد
کرده ایرانیانرا علاوه هزاران بدبختی دچار
قتل و غارت بهت آوری نمایند که ترمیم آنها از
دایرهٔ قدرت فعلی ما خارج باشد چقدر زود
حقیقت از یادمان میرود !!!

قشون عثمانی در بدو جنگ مگر قدم تجاوز و دخول
بخانهٔ ما بودند ؟
جنگهای حدود کرمانشاه زمان رئیس الوزرائی
عین الدوله از خاطرها محو شد ؟

چه چیز سبب شد اخیراً از ورود عثمانی بخاک
ایران ممانعتی بعمل نیامد ؟
همان وجود قشون روس و ورود قشون
جدید روس و مداخلهٔ دولتین انگلیس و روس
صریحاً !
آیا میتوانید انکار کنید ؟!

فرونت ایران از کدام نقطه سوق الجیشی برای دولت روس مهمتر است ؟ که با آنهمه امتحانات نوزده ماهه هنوز از این پلتیک بی صرفه دست نکشیده اگر مقصود محاربه با عثمانی است سرحدات قفقاز و ارمنیه از هر جهت برای سوق قشون مناسبتر و بهتر است دیگر دست از گریبان مشتی بیچارگان برنداشتن و مملکت آنها را میدان محاربه قرار دادن جز تولید سوء تفاهم نتیجه دیگری خواهد داد

مگر دولت وقت ایران تقاضا کردند که شما ایران را تخلیه کنید بیرون کردن عثمانیها را ما عهده داریم آیا امتحان کردند ؟

آیا عثمانیها جز بعنوان بیرون کردن قشون روس از ایران متوسل بعذر دیگری شدند ؟

آیا امروز که قشون عثمانی از ایران خارج و بغداد در تصرف متحد آنها و حکومت روسیه دموکراسی مهاجرین ایرانی اغلب بایران عودت کرده دیگر جای عذری باقی است ؟

باز هم مواعید دیپلوماسی که اساسش نقش بر آب است ؟ !

باز هم باید غفلت در حجاب الفاظ برادری و دوستی شاهد بازاری باشد ؟

آیا میتوان امروز درباره روس صرف نظر کرده و بقول تنها مطمئن شد در حالتیکه

قول را فعل لازم است

انگلیس برای نداشتن قشون کافی در اواسط جنگ بین المللی دولت مستبده تزاری را آلت و با هم جلوگیری از هجوم احتمالی عثمانیان محرک شد خاک ایران را میدان محاربه قرار دهد خود هم بوشهر را اشغال [illegible] تنخواه خود را با هزار تومان سرمایه روس منظم و شریک غارتی شدند که فردا خود را با تشکیلات جدیده قشونی خود تأمین کنند

امروز که انگلیس دارای قشون بری کافی عثمانیها از ایران خارج دولت وقت آزاد روس عدم صرفه فرونتها را حس کرده دانستند که تخلیه ایران از اشغالش بیشتر مقرون بصرفه است تا امروز آلت بودند از این بعد نباید آلت شد دیگر چه تأملی ؟ !

عجبا . میگویند در صورت خروج عثمانی و انگلیس از ایران در خاتمه جنگ قشون ما عودت میکند !

عثمانیها که رفتند . گویا همان صورت تهیه عثمانیها را اراده میکنند ! ؟

انگلیس که متحد آنها است .

خاتمه و یا دوام جنگ (جز اینکه برای تنفیت بشری) ما را از قتل ابنا بشر متألم میکند دیگر چه ربطی با ما دارد ؟ اگر منحصری قشون عثمانی در حدود کردستان و انگلیسها در فارس باشند برای توقف قشون دولت آزاد روس است

امتحانات را مجال خودمان مگذارید اگر عثمانیها و سایرین قاعده تجاوز نمایند ما خود از جلوگیری شدیم آنوقت میتوانید بخلاف عقاید عقلا ما را در دایره دور و تسلسل سرگردان کنید

دور و تسلسل

رفتن روس و انگلیس میگویند نمیرویم تا اینکه عثمانی

بعلاوه عثمانی میگوید ما در ایران نیامدیم مگر برای بیرون
کردن آنان روس و انگلیس هر وقت رفتند ما هم میرویم
پس این فاصله تا بحشر لنگ است و ما در یک رشته
دور و تسلسل مقید و باید مثل همه دقت گرفتار پنجه
عذاب باشیم
آقایان حس فاتحیت عثمانی و آلمان . مغلوبیت روس
و انگلیس یا بالعکس چه نفعی بما خواهد داد .
ما میگوئیم همه بگذارند که تا در خانهٔ ویران خود نفسی براحت
کشیده و در عالم برادری بقدری که خواهر بکارش دهند
زیاده بر این خیال اصلاحات ما را تعقیم گذارند
دنبال اقوال دوستانه نرفته افعال را شاهد قرار
دهند زیرا الزوماً

قول را فعل لازم است

چگونه ما یکمشت فلک زدگان آوارهٔ از خانمان میتوانیم
باظهار دوستی برادران روسی متقاعد شویم
در حالیکه آنها هنوز قادر بجلوگیری از یک دولت
مشروطهٔ خود نیستند ! ساده تر توضیح کنم آنها هم
در پنجهٔ زمامداران سرد قت خود مثل هر وقت
ما مقیدند !
آیا دولت دموکراسی روس با مؤتلفین خود
که آن مؤتلفین فقط و فقط برای توسعه مستعمرات
و اضمحلال اقوام صغیره جنگ میکنند صمیمانه میجنگند .
مگر ملیونها از برادران نوعی و مسلکی ما را هنوز در
قربانگاه فروشهای مختلفه قربانی هوس
دیگران نمیکنند ؟
در حقیقتاً روح عالم بشریت برای قتل و انهدام این
اعضاء نفیسه بشری عزادار است !

از اسرار عملیات لاینحل سیاسی که از فهم بندهٔ جنگلی خارج دایره
است گذشته قدری ساده صحبت کنیم
بیرون کردن مشتی بیشرفان ایرانی را در گیلان
نقاط دیگر ایران از قشون خانهای خود و اقلاً از اینکه
قدری جلیت نشان دادن هم جزو اصلاحات مهمه است
عزل ظلم را در صورت بقای یکمشت خائن دیگر چه باید
نامید ؟
اگر فسخ معاهدات مضره قدیمه یا الغاء امتیازاتی را که
که محمد ولی خان سپهسالار تنکابنی عاری از شرافت و است
برخلاف قانون مملکتی داده و امروزه در کمال سرعت
مجری میشود لغو کردن یا سکوت عنه گذشتن قابل
اهمیت است ؟
چگونه میگویند که امتیازات سپهسالار ملغی نشده
درصورتیکه راه آهن سربازار و غیره با معذرت کامل
گواه صدق بنده و اشتباه شما است پس چه باید کرد ؟
همان عنوانی است که بدواً عرض شد مساعدت عملی
میخواهیم زیرا :

قول را فعل لازم است

جنبه معاونت و اقامت جنگل و عدم اطلاع از امور
سیاسی وادی بالاخره بعلی و عنوانی مجبورم ساخت
که ساده درد دل کنم شاید با زبان جنگلی خود توانستم
حوزه دل خود را ثابت و برادران حریت طلب
روسیه را آگاه کنم که آنها نیز چون ما دچار
بدبختی هستند بقول باباطاهر عریان بیا سوته دلان
گرد هم آئیم انها آلت دیگران ما گرفتار بیخردی آنان
هر دو هم چنین ایم که در جنبیم بدبختانه هد فکر
علاج نیستیم

چشم باز و گوش باز و این عمی
حیرتم از چشم بندی خدا

معاودت برشت یا اقامت جنگل در عوض
زیرا ما ایرانی و ایران ویران خانهٔ ما در این مدت با هجوم نکرده ایم بلکه همه وقت مورد هجوم سایرین شدیم خصمانه ورود میکنند مدافعه میکنیم و دوستانه می آیند پذیرائی مینمائیم گرچه مصادف با یک عالم خجلتیم برای فقدان وسایل از مهمانان محترم خود پذیرائی کامل نمودیم

در خاتمه از کمیتهٔ محترم کارکنان و تمام مهاجرین و عناصر صالح الوقت آزاد در همه حال امتنان و تشکر نموده و میدانیم که اظهاراتشان از روی صداقت و صمیمیت بوده و خواهد بود و ما هم در گوشهٔ جنگل بانتظار ایفاء مواعید برادرانهٔ آنها مقیم و این فراز را با یک دنیا امید متذکر که

قول را فعل لازم است

(یک نفر جنگلی)

قابل توجه کارکنان مساوات

در حین طبع روزنامه این خبر وحشت اثر بگوش ما رسیده

اعدام

روز سه شنبه از کرمانشاه خبر رسیده که روسها ۱۸ نفر از اهالی را بدار زده معدوم مینمایند تاکنون بر ما کشف نشده که آنها از چه طبقه میباشند

ستارهٔ ایران

شدت حرکات قشون روس

اخیراً اخبار اسف انگیزی از معاملهٔ نظامیان روس نسبت با ایرانیها شنیده میشود که در صورت صحت باید قضیهٔ ظلم و فشار را در نصف النهار شدت دانست

شنیده میشود که قشون روس از اطراف کرمانشاه عقب نشسته و در موقع ورود بکرمانشاه دست تطاول هم گشوده اند همچنین در خصوص مال گیری و خواستن آذوقه تعدیات فاحش از ایشان نسبت برعایای بیچارهٔ ایران مشاهده میشود که تاسحال این حرکات کم نظیر بوده در اینجا هم باز متوجه اولیای دولت و سفارت دولت بهیه شده و درخواست علاج عاجل مینمائیم

سانسور

چند روز است که مجدداً تلگرافات همدان از طرف روسها سانسور میشود و مسئلهٔ سانسور هم که دربارهٔ نقاط ایجاد شد و هنوز هم برقرار میباشد امر مضحکی است

بامداد روشن

راجع بنمایندهٔ معارف

از هیئت مدارس قومی و کمیساء پاکتی باداره رسیده شکایت از نمایندهٔ محترم معارف که مدتی است خودخواست پروگرام وزارت معارف و امتیاز مدارس را از ایشان نموده ایم ابداً عطف توجهی نفرموده و تاسحال جواب را بتأخیر انداخته اند

جنگل

از رئیس محترم معارف رشت دستور و پروگرام وزارت جلیلهٔ معارف را درخواست مینمائیم که تشکیلات مدارس این سامان ناقص نماند

راپورت واصله

از رشت با خبر شده که ماژور عبدالله خان بعد از رسیدگی بدفاتر و ارشیو نظمیه خیانتهای اجزای سابق را کشف کرده و بعد از محاکمه اغلب را عزل و بطهران روانه نمودند غیر از محمود خان و میرزا شفیع که بدواً محاکمه خارج شدند

ما توجه آقای ماژور را باعمال این دو نفر خائن دولت و ملت جلب مینمائیم

برای زنده داشتن نام یگانه شهید راه وطن میرزا جهانگیر خان مدیر صور اسرافیل یکقسمت از این جریده را بنام ذیل میگذاریم

(چرند پرند)

تلگرافات خارجه — بتوسط آژانس پیاده

از قرونت سبزه میدان

یوم جمعه یکساعت و ۲۵ دقیقه بغروب مانده صدای خوشی مهیبی از وسط سبزه میدان بلند گردید

(نطق امید بخش)

دیده بان عبائی ما در ظرف اظهارات خود چنین بیان نموده این قرونت نسبت بسال سابق امید بخش است چنین قسم که داد طلبانه جوانان ما با شکل و کرواتهای عصا بر کف دست گرفته در خیابانهای سبزه میدان و سنگرهای باغ تجسم عرض اندام مینمایند عنقریب است که مقام تمدنی را اجرا نمایند

(از قلمستان)

چند روز قبل — در خصوص انتخابات رفته رفته وجود خارجی پیدا کرده و گوشه و کنار کسب اهمیت نموده احتمال بسی امراض مسریه میرود از قبیل (ریل) و (استعفای از وزارت) (مالیخولیا) از طرف مجلس حفظ الصحه خوب است برای جلوگیری از این مرض مهلک یک قرنطینه در دماغ وکیل ها گذارده شود که بیا برین صرفت شده

(ادبیات)

این دوره نقیبه چون دوره چادر است

این موقع فرخنده دگر موقع کار است

ای عرقه بادوام	در عالم خلسه

این ماه دیگر آخر ایام بهار است

نزدیک با تمام	که حوزه دگر

نی وقت شراب است و نه هنگام قمار است

این دوره چه پاینده	بی بهانه

ای ملت بدبخت	کو کوشش ملی

این رشته بگسسته	بی فیده زمانه

ای مردم دلسخت	کو غیرت جبلی

این شب چو آدینه	نشستید سخانه

تا وقت گذشت	کو کوشش ملی

افسوس که روز همگی چون شب تار است

امروز که مشروطه آمد رفت بداو

با دوره تجدید	ما باز که زاریم

امروز که ره سینه آزاد بما داد

هر دو عده جاوید	ما خود بچه کاریم

امروز که باید بشود مملکت آباد

با این همه امید	ما فکر نکاریم

هر کس بخر خویش بهر راه سوار است

امروز که همسایه بگشته پرستار

با سلطنت خویش	بیچاره چه گوید

امروز که بیگانه بگشته مددکار

از همت درویش	تا چاره بجوید

امروز که از قدرت سرنیزه اجرار

خائن شده دلریش	کی دست بشوید

او باز بهر گوشه که دیگش سر بار است

کرمانی

محل فروش در بهشت شهر ... و نگارستان ...

اداره اسلام ...	دانشخانه

مطبعه ...